

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در شأن نزول آیه ۱۸۷ ازسوره بقره: «احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم... الى آخره» نوشته اند که در ابتدا مسلمانان باید در شب و روز ماه رمضان از جماع خودداری می کردند ولكن بعدا معلوم شد که بعضی از جوانها که نمی توانستند یک ماه تحمل کنند مخفیانه و در شبها مرتکب جماع می شدند، سپس خداوند متعال لطف فرمود و شبها را استثنا کرد و گفت که در شب ماه رمضان جماع اشکالی ندارد، یستفاد از این آیه که جماع در شب اشکالی ندارد ولی در روز ماه رمضان روزه را باطل می کند. دیروز درباره کلمه ای که در این آیه شریفه آمده است از بنده سوال شد: «وابتغوا ما كتب الله»: طلب کنید آنچه را که خداوند برای شما مقدر کرده و نوشته است، دو احتمال در اینجا وجود دارد یکی اینکه خداوند مقدر کرده که شما دارای عفت باشید و در نتیجه ارتباط با همسر عفت شما محفوظ بماند، احتمال دوم احتمال مرحوم استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله طباطبایی می باشد که ایشان در اینجا می فرمایند؛ مراد از ما كتب الله لكم طلب ولد می باشد، یعنی در نتیجه مباشرت با همسران خودتان خداوند مقدر کرده است که نسلتان افزایش پیدا کند و شما صاحب فرزند شوید.

بحث ما در این بود که جماع که مبطل روزه است اقسامی دارد و عرض کردیم دلیل این مطلب هم اخبار فراوانی است که در این رابطه داریم، البته تعابیر زیادی هم در این روایات بکار رفته است مثلا تعبیر به نساء و جماع و اتیان اهل و نکاح و از این قبیل تعابیر ذکر شده است، بعد عرض کردیم که فقهای ما در اینجا دو فرقه شده اند؛ عده ای گفته اند که این روایات اطلاق دارند و شامل تمام اقسامی که برای وطی فرض کردیم می شوند و عده ای هم گفته اند که این روایات اطلاق ندارند و منصرف در آنچه که متعارف است می باشند و متعارف هم وطی نساء قبلا می باشد و معانی دیگر را باید دنبال دلیلش بگردیم، ما درباره وطی در دبر روایتی ذکر کردیم که در آن گفته شده بود: أحد المأتین

که شامل وطی در دبر هم می شد، اما درباره بهیمة و غلام چه باید بگوییم؟ آیت الله خوئی اعلی الله مقامه در مستند العروة می گویند که دلیلی بر بطلان روزه به خاطر وطی بهیمة و غلام نداریم و تمامی روایاتی که در این زمینه وجود دارند درباره انسان آن هم از نوع زن می باشد و دیگر شامل بهیمة و غلام نمی شوند. عده ای مانند صاحب ریاض و مسالک و حتی شیخ در خلاف تمسک به اجماع کرده اند و گفته اند: **دلینا اجماع الفرقة و اخبارهم** یعنی می خواهند مسئله را با اجماع درست کنند، به نظر بنده در بعضی از روایات یک کلمه ای وجود دارد که اگر آن را در نظر بگیریم مسئله حل می شود و آن کلمه نکاح است یعنی در چند روایت که می خوانیم کلمه نکاح ذکر شده است آن هم نکاح با الف و لام (النکاح) نه مثلاً نکاح المرثة و...، نکاح لفتاً یعنی وطی و اینکه ماعقد نکاح می کوئیم این یک اصطلاح مستحدثی می باشد، در چند خبر فقط نکاح را از مفطرات حساب کرده و نکاح هم به معنی وطی می باشد و دیگر فرقی نمی کند که وطی انسان باشد یا حیوان که این چند خبر را خواهیم خواند و بنده در اینجا نوشته ام که: «و لفظ العام الذی یشمل انواع الجماع هو لفظ النکاح».

خوب اولین روایت خبر ۳ از باب ۱ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد که در ص ۱۹ از جلد ۷ و مسائل ۲۰ جلدی واقع شده است، خبر این است: «علی بن الحسین المرتضی فی رسالة المحکم والمتشابه نقلا من تفسیر النعمانی باسناده الآتی عن علی (ع) قال: و اما حدود الصوم فأربعة حدود: اولها اجتناب الأكل و الشرب؛ و الثانی اجتناب النکاح و الثالث اجتناب القیء متعمداً، و الرابع اجتناب الاغتماس فی الماء و ما يتصل بها و ما یجری مجراها و السنن کلها». ملاحظه می کنید که در اینجا لفظ نکاح را با الف و لام (النکاح) ذکر کرده و نکاح هم به معنی وطی می باشد پس یشمل کلما یصدق علیه الوطی اعم از اینکه با زن باشد یا بامرد یا با بهیمة و قبلاً باشد یا دبراً. دوم اینکه در کتاب اطعمه و اشربه آمده است که اگر کسی حیوانی را وطی کرد آن حیوان

بنابراین بنده از این چهار خبر که عرض کردم از لفظ نکاح و طی با انواع مختلف و با اشخاص مختلف را استفاده کردم، و در اینجا نوشته ام: «فلازم علی الصائم حیث هو ترک النکاح امرئ کانت أو غلاماً أو بهیمه، قبلاً کانت أو دبراً و صغیراً کانت أو کبیراً و میتاً کانت أو حیاً لأن کل هذه الامور یؤد من النکاح، بل لو جامع المرءه البهائم یؤد أيضاً من النکاح و توهم عدم صحه استناد النکاح إلى المرءه یدفعه الكتاب العزیر حیث قال: فإن طلقها فلا تحل لها من بعد حتی تنکح زوجاً غیره».

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

حرام می شود، خبر ۳ از باب ۳۰ از ابواب اطعمه و اشربه که در ص ۳۵۸ از جلد ۱۶ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است بر این مطلب دلالت دارد، خبر این است: «و عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن عبدالله بن عبد الرحمن، عن مسمع، عن أبي عبدالله (ع): أن امیر المؤمنین (ع) سئل عن البهیمه التي تنکح؟ قال: حرام لحمها و لبنها». محمد بن الحسن بن شمون توثیق نشده ولی خبر مورد عمل فقهاء ما می باشد، همانطور که می بینید کلمه نکاح در این روایت به معنی و طی به کار برده شده است. سوم خبر ۱ از باب ۲۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد که درص ۴۸ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است، خبر این است: «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عیسی، عن سلیمان بن جعفر حفص المروزی قال: سمعته یقول: إذا تمضمض الصائم فی شهر رمضان أو استنشق متعمداً أو شم رائحة غلیظة أو کنس بیتاً فدخل فی انفه و حلقة غبار فعليه صوم شهرین متتابعین، فان ذلك مفطر مثل الأکل و الشرب و النکاح». شاهد ما جمله ای است که در ذیل روایت آمده است که نکاح را به معنی و طی گرفته است حالا و طی به هر شکلی که می خواهد باشد. چهارم خبر ۴ از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد که درص ۷۳ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است، خبر این است: «و فی العلل عن علی بن ابراهیم، عن القاسم بن محمد، عن حمدان بن الحسین، عن الحسین بن الولید، عن عمر بن یزید قال: قلت لابی عبدالله (ع): لای علة لایفطر الاحتلام الصائم و النکاح یفطر الصائم؟ قال: لان النکاح فعله، و الاحتلام مفعول به». یستفاد از این خبر که نکاح موجب بطلان صوم است و نکاح به معنی و طی است و طی هم به هر صورتی و با هر کسی که می خواهد باشد فرقی ندارد،